

ناصر زورقی / کارشناس ارشد آموزش زبان فارسی

## روش‌های قدیمی سوادآموزی (روش مکتب‌خانه‌ای)

از حیث جلوداری کیان خط و کتابت، "پرو" مصر و فینیقیه بدانییم. چرا که از هفت سیستم خطی هجانگاری که در شرق به کار می‌رفت و عبارت از: عیلامی باستان، هندی باستان، کرتی، سومری، مصری، هیتی و چینی بودند؛ کهن‌ترین این اسناد که در حدود ۳۱۰۰ سال پیش از میلاد نگاشته شده، یک سند سومری است، نه ایرانی.

محققان نیز بر این عقیده اند که مبانی اصلی خط "هجانگار" از سومر به طرف شرق - از جمله ایران آن زمان - راه یافت.<sup>۲</sup> ضمن این که افتخار اولین خط الفبای کمال نیز (در حدود ۵۰۰ قبل از میلاد) به یونانیان تعلق دارد و پس از آن می‌توان از هیروگلیف مصری نام برد.

به این ترتیب، شرط انصاف آن است که افتخار این دو "اولین" را فعلاً به مصر و یونان واگذاریم و بررسی تاریخی و سیر تطور خط و آموزش در ایران را، از قرن هشتم قبل از میلاد آغاز کنیم که تاریخ کشور ما، در حقیقت از این زمان آغاز می‌شود. تاریخی که طبق آن، یکی از رؤسای طوایف ماد به نام "دیاکو" در حدود ۷۰۰ سال پیش از میلاد، نخستین بار موفق به تأسیس سلطنت شد و مرکز حکومتش را هگمتانه (همدان) قرار داد.

اقوام آریایی ماد و پارس، یک بار ۴۰۰۰ سال

ایران، بدون تردید تمدنی کهن دارد؛ تمدنی همزاد با تمدنهای یونان و مصر و شاید نیز کهن‌تر از آنان. اجازه دهید اکنون که صحبت از تمدن به میان آمده، ابتدا تمدن را معنا کنیم. تمدن یا مدنیت از منظر علوم اجتماعی، یعنی شهرنشینی؛ خوی شهری گزیدن؛ با اخلاق مردم شهر آشنا شدن؛ زندگی و تعامل اجتماعی؛ همکاری مردم با یکدیگر در امور زندگی اجتماعی و در یک کلام، فراهم ساختن اسباب ترقی و آسایش خود.<sup>۱</sup>

پرواضح است که از اسباب عمده ی ترقی و آسایش، تعلیم و تربیت - یعنی سازگاری با محیط و شکل دادن آن به نفع خویش است. سازگاری با محیط و هماهنگی با فرایندهای رشد نیز به نوبه‌ی خود، دستی در هوش و استعداد فرد و پایی در شکوفایی این استعدادها دارد! از این رو اگر تمدن را معلول تعلیم و تربیت بدانیم؛ بیراه نگفته ایم.

سابقه: پیشتر، ایران را کهن‌دژی همزاد با مصر و یونان در مدنیت دانستیم. بی‌شک تاریخ ایران، تاریخی روشن و مشحون از آثار تمدن است. در این میان می‌توان از هگمتانه در غرب، از شهر سوخته در شرق و پاسارگاد و تخت جمشید که شناسنامه‌ی این ملت و سند هویت آنان است یاد کرد. با این حال با اندکی احتیاط، درست تر آن است که ایران را

دور از بازار بود تا اگر سوداگران، دروغی بر زبان راندند، کودکان نشنوند!

شروع تحصیلی از ۷ سالگی بود<sup>۷</sup> و تا ۱۵ سالگی (گویا به مدت ۸ سال) ادامه داشت.<sup>۸</sup>

مکتب داران اصولاً از بین افراد خوشنام که عمدتاً از طبقه‌ی روحانی و دارای شأن والا بودند، انتخاب می‌شدند و به این مکتب داران "هیربد" می‌گفتند. خوب است اضافه کنیم که مکتب داری در دربار شاهنشاهی، بر عهده‌ی منتخبانی بود که در عین حال، استاندار (والی) یا فرماندار (حاکم) بودند.

دکتر اسدالله بیژن ضبط کرده است که در ایران عهد کیانی، تربیت برای دختران نیز میسر بوده است و بعضی از سرشناسان، دارای دخترانی با تحصیلات عالی بوده‌اند.<sup>۹</sup>

در این عهد، برنامه‌ی کار مکتبخانه‌ها شامل تعلیمات دینی، تربیت بدنی و حساب کردن<sup>۱۰</sup> و شیوه‌ی تدریس به صورت زبانی بود. کودکان در ابتدای ورود به مکتبخانه (آنگاه که سنشان به ۷ سالگی می‌رسید) در حضور موبدان جامه‌ی مقدس "سدره" را به تن و کمر بند مقدس "گستی" را به کمر می‌بستند و دعاهایی می‌خواندند که از حوصله‌ی بحث ما خارج است.<sup>۱۱</sup>

## ■ آموزش مکتبخانه‌ای در ایران اسلامی (ایران پس از اسلام):

بررسی وضع خواندن و نوشتن در ایران اسلام، بدون توجه به بررسی آن در خاستگاه اسلام (عربستان قبل از طلوع اسلام) میسر نیست. باید اذعان کرد که زندگی مردم عربستان از یک سو و موقعیت طبیعی شبه جزیره از سوی دیگر، به هیچ رو اقتضای آموزش و سواد را نمی‌کرد. نظام قبیله‌ی با مشخصات خود که بر اساس پدرسالاری استوار بود، بعلاوه کوچ نشینی و آوارگی عرب بیابانگرد، دو عامل مهم در عدم امکان توسعه‌ی خواندن و نوشتن در بین اعراب پیش از اسلام بوده است.

سواد خواندن و نوشتن در درجه‌ی اول، در بین جوامع شهری، متملن (یکجانشین) و ساکن توسعه می‌یابد. کما این که تمدن عصر جدید نیز هنوز نتوانسته است به برابری و یا بهتر بگوییم عدالت آموزشی بین شهرها و روستاها دست یابد. هنوز هم تقریباً در تمامی شاخص‌های توسعه،

پیش و بار دیگر ۳۰۰۰ سال پیش، از طرف ماوراءالنهر و قفقاز به سوی ایران آمدند. پارسیان در "انشان" (خوزستان فعلی) و نیز پارس (پارس کنونی) سکنی گزیدند. کوروش در ۵۵۹ (قبل از میلاد) دولت هخامنشی را بنیان گذاشت و بعدها سلوکیان، اشکانیان، ساسانیان و ... بر ایران حکومت کردند.<sup>۳</sup>

بدون شبکه تعلیم و تربیت ایران باستان، تحت تأثیر دین زرتشت بود. زرتشت برای دانش و خرد، ارزش بسیار قایل بود و پیروان خود را به تحصیل و تعلیم تشویق می‌کرد.

تفوق مکتب زرتشت، بر محتوا و شیوه‌ی تعلیم و تربیت ایران باستان، در عصر ساسانی نیز در ادبیات تاریخی و مدنی ما مشهود است. چنانکه در کتاب "دینکرد" آمده است: "تربیت را مانند زندگانی باید مهم شمرد".

## ■ هدف آموزش مکتبخانه‌ای:

در ایران عهد کیانی، تربیت برای دختران نیز میسر بوده است و بعضی از سرشناسان، دارای دخترانی با تحصیلات عالی بوده‌اند.

آموزش مکتبخانه‌ای در ایران باستان، به هدف آراستن فرد به اخلاق ستوده معطوف بود. چنانکه در اوستا<sup>۴</sup> آمده است: "ای اهورامزدا! به من فرزندی عطا کن که با تربیت و دانا باشد."<sup>۵</sup> و نیز آنجا که می‌گوید: "اگر ترا فرزندی خردسال است، او را به دبستان فرست. زیرا فروغ دانش، دیده‌ی روشن و بیناست."<sup>۶</sup>

## ■ سازمان تعلیم و تربیت باستان

سازمان تعلیم و تربیت یا بهتر بگوییم دستگاه‌های متنوع متولی آموزش و پرورش، عبارت بودند از: خانواده، آتشکده، دربار شاهنشاهی، دبستان و مکتب. محل مکتب

روستاها عقب‌تر از شهرهایند و این اصل، به قدری بدیهی است که نیاز به آوردن سند و دلیل و برهان ندارد.

این مسأله، مسلماً در مورد قبایل کوچرو، بهتر صدق می‌کند. به خصوص آنکه بپذیریم، این قبایل در حال کوچ، همواره با یکدیگر در حال کشمکش و نزاع هستند و رابطه‌ی بین آنها تنها رابطه‌ی جنگ و ستیز می‌باشد و نه ارتباط سازنده و مثبت. سواد، یکی از وسایل ارتباط مثبت است و در صورتی که این زمینه‌ی ارتباط وجود نداشته باشد؛ ضرورتی برای سواد و انتشار هم به طریق اولی وجود نخواهد داشت.

به یاد داشته باشیم که ما از منطقه‌ای خاص صحبت می‌کنیم. منطقه‌ای که در زمان ظهور اسلام و قبل از آن، از بی‌بی‌شدیدی رنج می‌برد و به همین جهت در اختیار داشتن چاه آب، از سرمایه‌های بزرگ و عامل قدرت شگرف قبایل به شمار می‌رفت و شاید بر همین اساس بود که منصب سقایت زائران کعبه، از مناصب مهم تلقی می‌شد. همان منصبی که به قبیله‌ی قریش تعلق داشت.<sup>۱۲</sup>

این شبه جزیره، به علت فقر زمین قابل کشت از استعمار دو امپراتوری بزرگ زمان خود نیز مصون بود. مضافاً به این که نظام قبیلگی حاکم بر آن، امکان تشکیل دولت مستقل و مرادبه با جهان خارج را نیز از آن سلب کرده بود.

اعراب، نقص کتابت خود را با پیشرفت زبان شفاهی و محاوره‌ای، مخصوصاً شعر گفتن و تأکید بر حافظه و ذاکره (یادآوری) به خوبی جبران کرده بودند. عاملان این کار، راولیانی بودند که در قرون وسطی، کار دیوان را انجام می‌دادند و در عهد معاصر ایفای این نقش به عهده‌ی بایگانی است و ما متأسف هستیم که محدودیت‌های مقاله‌نویسی کلاسیک فرصت بررسی بیشتر این مقوله را فعلاً از ما سلب می‌کند.

به هر حال، قدیمی‌ترین نقش خط نما در عربستان قبل از اسلام، نقشی است که بر گور "امروالقیس" از ملوک آن زمان بر جای مانده است. اما قدیمی‌ترین سند تحریری که می‌توان از آن به نوشته تعبیر کرد؛ احتمالاً "سبعه‌ی معلقه" یا همان قصاید هفتگانه‌ی مشهور می‌باشد.

در اینجا اجازه دهید به یک پارادکس تاریخی پاسخ دهم و آن این که اگر عرب پیش از اسلام با خط و کتابت آشنایی نداشت وجود اصطلاحاتی مانند "مداد"<sup>۱۳</sup>، کتاب<sup>۱۴</sup>، لوح<sup>۱۵</sup> و قلم<sup>۱۶</sup> در قرآن کریم چگونه قابل توجیه است؟ پاسخ آن است که استعمال این کلمات در قرآن به هیچ وجه دلالت بر سابقه‌ی طولانی وجود زبان کتبی در بین اعراب ندارد.<sup>۱۷</sup> کما این که دلالت صریح خود قرآن نیز، آن جا که پیامبر اکرم (ص) را "پیامبر امی" می‌خواند؛ معطوف به همین قلمت سواد و خواندن است. "محمد ماهر حماده" به صراحت مدعی شده است که در

بدون شک، تعلیم و تربیت ایران باستان، تحت تأثیر دین زرتشت بود. زرتشت برای دانش و خرد، ارزش بسیار قابل بود و پیروان خود را به تحصیل و تعلیم تشویق می‌کرد.

زمان ظهور اسلام، تنها ده نفر و اندی خواندن و نوشتن می‌دانسته‌اند<sup>۱۸</sup> و حتی جرجی زیدان سراسر شبه جزیره را دارای همین مقدار باسواد معرفی می‌کند.<sup>۱۹</sup>

باید دانست که براساس نصوص منابع معتبر- از جمله علی کرد، در کتاب الاسلام والحضاره العربیه- کمی پیش از اسلام بود که "حرب بن امیه" و پسرش "ابوسفیان"، خط عربی را از سوریه به حجاز وارد کردند و باز همین "حرب" بود که خط عربی را تحت نظم و انضباط درآورد.<sup>۲۰</sup>

با انتظام خط عربی، افزایش عدد کاتبان وحی که به دستور پیامبر (ص) شروع به کتابت قرآن کریم کردند- از هفت نفر به چهل نفر تا پایان عمر پیامبر- قابل درک و توجیه خواهد بود.

از آنچه گفته شد، منطقی این نتیجه را می‌گیریم که تاریخ رسمی خواندن و نوشتن در اسلام، الزاماً و منحصرأ با خواندن و نوشتن قرآن کریم آغاز شد. اما باید گفت که ایران، در قبل از اسلام نیز سابقه‌ی تعلیم و تربیت کلاسیک

سیستانی و قبل از اینها بوعلی سیناها، زکریای رازی‌ها، خواجه نظام‌الملک‌ها، غزالی‌ها و ... بوده است.<sup>۲۳</sup>

در این مکاتب، برخلاف آنچه که امروزه بر ابتکار و فعالیت دانش‌آموز تأکید می‌شود<sup>۲۴</sup>، به فعل‌پذیری شاگرد مکتبخانه و حافظه‌ی او تأکید دارد.

مکتب‌داران، در پایان هر مرحله‌ی آموزش، مانند ختم سوره‌ی فاتحه یا ختم قرآن، هدیه‌ای از اولیای محصل دریافت می‌کردند. با این حال، چون معیشت آنها تأمین نمی‌شد، ناچار بودند به مشاغل دیگری نظیر تحریرات و دعانویسی هم بپردازند.

- ۱- فرهنگ فارسی عمید دکتر حسن عمید نشر امیرکبیر، ص ۴۵۸، ۱۳۷۹، تهران.
- ۲- مقدمات زبان شناسی، دکتر مهری باقری، پیام نور، ص ۱۱۹، ۱۳۸۳، تهران.
- ۳- دوره‌ی مختصر تاریخ فرهنگ ایران، عیسی صدیق.
- ۴- کتاب معروف زرتشتیان، ۸۳۰۰۰ کلمه دارد و دارای ۵ بخش سروده‌های زرتشته، عظمت و فر ایران، آداب مذهبی، خرده اوستا (مسائل اجتماعی) و بخش آفرینش جهان می‌باشد.
- ۵- سیر تمدن و تربیت در ایران باستان، دکتر اسدالله بیژن، ص ۱۶۵، ابن سینا، تهران، ۱۳۵۰.
- ۶- پندنامه‌ی آریاباد ما را سینده فقره‌ی ۵۸.
- ۷- مأخوذ از جمهوریت افلاطون و خرده اوستا بخش تعلیم و تربیت.
- ۸- مأخوذ از دینکرد.
- ۹- سیر تمدن و تربیت در ایران باستان، دکتر اسدالله بیژن، ص ۱۰۳، ابن سینا، تهران، ۱۳۵۰.
- ۱۰- دوره‌ی مختصر تاریخ فرهنگ ایران، دکتر عیسی صدیق، همان، ص ۱۸۰.
- ۱۱- ر. ک. سیر تمدن و تربیت در ایران باستان، دکتر اسدالله بیژن.
- ۱۲- آموزش و پرورش اسلامی، دکتر ابوالفضل عزتی، بعثت ص ۱۴۴، ۱۳۶۱، تهران.
- ۱۳- کهنه، ۱۸.
- ۱۴- فصلت، ۴۱.
- ۱۵- بروج، ۸۵.
- ۱۶- افر، ۴.
- ۱۷- آموزش و پرورش اسلامی، همان، ص ۱۴۶.
- ۱۸- محمد ماهر حماده المکتبات فی الاسلام، ۱۹۷۰، ص ۱۲ (نقل از عزتی).
- ۱۹- جرجی زیدان، تاریخ تمدن اسلامی، چاپ سوم، ج ۱، ص ۲۳۵؛ بلاذری، فتوح البلدان، ص ۴۷۷ (نقل از عزتی).
- ۲۰- کرد، علی، الاسلام و الحضاره العربیه، دوم، ص ۷۲، قاهره، ۱۹۵۰.
- ۲۱- جامعه و تعلیم و تربیت، دکتر علی شریعتماری، ص ۹۴، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۵.
- ۲۲- دوره‌ی مختصر تاریخ فرهنگ ایران، همان، ص ۴۸.
- ۲۳- اولین همایش استان‌شناسی، فشرده‌ی مقاله‌ی آقای رضا مرغشی در مورد تاریخ تکوین فرهنگ، انتشارات استانداری سیستان و بلوچستان، چاپ المهدی، ص ۵۳.
- ۲۴- تفاوت‌های فردی، موریس دوپس، هانری پیرون، ترجمه محمدحسن سروری، انتشارات سخن، ص ۳۶.

مکتبخانه‌ای و دبستانی و حتی دانشگاهی) را- دانشگاه گندی شاپور- داشته باشد.

لذا آنچه منظور ما در این پژوهش است؛ چگونگی تطور آموزش مکتبخانه‌ای در ایران است که با تفوق اسلام بر ایران، اهمیت و روح بیشتری یافت.

ایران در سال ۳۱ هجری، به اسلام گروید. در عهد بنی امیه، زبان، فرهنگ و ملیت خود را حفظ کرد و در عصر بنی عباس تحت تأثیر ضعف خلفا در گوشه و کنار ایران، دولت‌های مستقل تأسیس شد. به این ترتیب، ایران عملاً وارد حکومت اسلامی گردید.

ما گزارش‌های متقنی در دست داریم که در این عصر، در بعضی شهرهای ایران، نظیر بلخ، بخارا، هرات و دامغان، مساجدی برپا بود و در آنها، اصول دین، به صورت شفاهی آموخته می‌شد. بعلاوه، ایرانیانی که هنوز پیرو آیین "مزدیسنا" بودند؛ مراسم مذهبی خود را در آتشکده‌ها برگزار می‌کردند. این مراسم شامل مراحل هفتگانه‌ی تکامل معنوی بود که خود شامل دوستی و درستی، منش پاک، قدرت اهورامزدا و ... بود.<sup>۲۱</sup>

هم‌چنین از عهد استقلال ایرانیان (صفاریان، طاهریان و ...) نیز مدارکی در دست است که حکایت از رواج در خور توجه آموزش‌های مکتبخانه‌ای، در این عصر دارد. مثلاً ابوعلی سینا در "مکتب" خواندن و نوشتن آموخت.<sup>۲۲</sup>

مکتب در این عصر، مؤسسه‌ای بود که برای تعلیم قرآن کریم و آموختن سواد و مقدمات، فعالیت می‌کرد و در دوره‌ای آن را "کتاب" (به ضم کاف و تشدید ت) می‌نامیدند.

## ■ مکان مکتب

دکتر عیسی صدیق، معتقد است که این مکاتب یا در مساجد یا خانه‌ی معلم یا در سر گذر و دکان و سرانجام در مدارس جای داشتند و مکتب‌دار، "معلم، مؤدب یا ادیب" نام داشت.

مکتب‌داری که در مسجد و مدرسه تدریس می‌کرد، برخلاف سایر مکتب‌داران که مستمری بگیر کودکان بودند، از درآمد اوقاف حقوق می‌گرفت.

مکتبخانه‌ها، اصولاً سه نوع بوده است: مکتب‌خانه‌های اشراف و متمولین، مکاتب سیار ایلات و عشایر و مکاتب عمومی که خاستگاه و مهد دانشمندانی چون ابوحنیفه سجستانی، فرخی